

# پارسا

مجله فرهنگی - ادبی پارسی نامه

سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳



## فهرست

- ۲ ..... یادداشت سردبیران  
ایران شناسی
- ۳ ..... شهر بافت  
ادبیات
- ۴ ..... سیمین بهبهانی، غزل سرای معاصر  
آموزش واژه و اصطلاح
- ۵ ..... ما و خوراکی‌های خوشمزه  
دستور زبان فارسی
- ۶ ..... قید  
داستان
- ۸ ..... مرد نادان و دامپزشک
- ۹ ..... شازده کوچولو - بخش هفتم  
سرگرمی
- ۱۰ ..... چیستان
- ۱۱ ..... جدول  
قلم فارسی آموزان
- ۱۲ ..... به قلم شما
- ۱۳ ..... دو شعر کوتاه از دانشجوی خوش ذوق ایتالیایی
- ۱۳ ..... مترسک‌ها هم می ترسند  
معرفی مراکز آموزش زبان فارسی
- ۱۵ ..... مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دانشگاه الزهراء  
هنر
- ۱۶ ..... خوشنویسی
- ۱۸ ..... هنر قالی بافی در ایران  
خبر
- ۱۹ ..... ریشه‌ی زبان‌های هندواروپایی  
نام‌آوران ایرانی
- ۲۰ ..... همایون شجریان  
آشپزی ایرانی
- ۲۴ ..... چند غذای ساده با تخم مرغ  
معرفی نرم افزار
- ۲۸ ..... پادکست
- ۳۱ ..... برنامه‌های مسیریاب در ایران
- ۳۲ ..... پاسخ به سوال‌ها و سرگرمی‌های شماره‌ی قبل (ویژه‌نامه) مجله‌ی پارسی نامه

نشریه‌ی فرهنگی-ادبی پارسی نامه

سال سوم، شماره‌ی ۶

بهار و تابستان ۱۴۰۳

راهنمای سطح‌ها:

- دایره‌ی آبی برای سطح مقدماتی
- دایره‌ی زرد برای سطح میانی
- دایره‌ی قرمز برای سطح پیشرفته

صاحب امتیاز: مرکز آموزش زبان فارسی

به غیرفارسی زبانان دانشگاه الزهراء (س)

مدیرمسئول: دکتر سارا کیانی

شورای سردبیران: سمیه صبائی، الهام بابایی و لنی

ویراستاران: مرضیه سادات رضوی، سارا کیانی

طراح: عاطفه تفکری

هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): الهام بابایی و لنی،

آناهیتا بیرجندی، مرضیه سادات رضوی، راضیه کاشفی خویشان، سارا کیانی، هدیه یزدان پناه

نویسندگان این شماره (به ترتیب حروف الفبا): الهام بابایی و لنی، آناهیتا بیرجندی، احمد طاهر مصور، فیلیپو کاتزارو،

راضیه کاشفی خویشان، سارا کیانی، هدیه یزدان پناه

چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه الزهراء (س)

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ونک، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهراء (س)، ساختمان خوارزمی، طبقه‌ی هفتم،

مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان

تلفن: ۰۲۱-۸۵۶۹۲۳۵۹ رایانامه: parsiname.magazine@gmail.com اینستاگرام: parsiname.magazine

# یادداشت سردبیران



## ● شهر بافت



به لحاظ اقلیمی<sup>۱۴</sup> آب‌وهوای شهر بافت معتدل کوهستانی است. سوغاتی‌های مهم این شهر شامل گردو (که به‌عنوان نماد بافت شناخته شده است)، زیره، عسل و فرآورده‌های لبنی است. صنایع دستی بافت بیشتر شامل قالی، گلیم و پته‌دوزی است. بافت از مراکز مهم قالی‌بافی استان کرمان و کشور است. فرش دستباف شهر بافت به دلیل اقلیم خاص خود از نقشه‌های خاصی برخوردار است که از سایر نواحی استان کرمان متمایز<sup>۱۵</sup> است.

بافت به لحاظ کشاورزی از مناطق مهم در استان کرمان و ایران محسوب می‌شود. بافت بیشترین سطح زیر کشت گردو در ایران را به خود اختصاص داده است و دومین تولیدکننده گردوی ایران است. اقتصاد بافت بر پایه‌ی کشاورزی شامل کشت<sup>۱۶</sup> انواع میوه‌های سردسیری مانند گردو، انار، بادام، هلو، سیب، آلبالو و ... است.

شما دوست دارین به بافت سفر کنین؟ دوست دارین از بافت چی سوغاتی بخرین؟ دوست دارین کجاها رو ببینین؟

منبع: tarafdari.com

### گردآوری و ساده‌سازی راضیه کاشفی خویشان

بافت یکی از مُرتفع‌ترین<sup>۱</sup> و خوش‌آب‌وهواترین شهرهای استان کرمان و ایران است که در ۱۵۶ کیلومتری شهر کرمان قرار دارد. شهر بافت با ارتفاع ۲،۲۸۰ متر از سطح دریا، مرتفع‌ترین شهر جنوب ایران است. قرارگیری در ارتفاع زیاد و همجواری<sup>۲</sup> با کوه شاه سبب اعتدال<sup>۳</sup> هوای این شهر در تابستان شده است. این تعادل آب‌وهوایی و وجود رودهای بزرگ و پرآب آسیاب‌جفته<sup>۴</sup> و زردشت<sup>۵</sup> سبب شکل‌گیری تمدن باستانی حوزه<sup>۶</sup> هلیلرود در شهرستان بافت شده است. شهر کنونی بافت ۱،۲۰۰ سال قدمت<sup>۷</sup> تاریخی دارد، اما قدمت نقاطی از شهرستان بافت به پنج هزار سال پیش از میلاد می‌رسد. جمعیت کنونی شهر بافت نزدیک به ۳۵،۰۰۰ نفر بر اساس سرشماری سال ۹۵ می‌باشد. کوهستان‌های شاخص شهرستان شامل کوه شاه در شمال، کوه گوغر در شمال غرب و ارتفاعات<sup>۸</sup> خَبر در جنوب است. کوه شاه در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی این شهر قرار گرفته است. نظرهای متعددی<sup>۹</sup> در مورد وجه تسمیه<sup>۱۰</sup> این کوه وجود دارد؛ همان‌طور که از سنگ‌نوشته‌های ه برمی‌آید، کوه شاه همواره تحت محافظت و قرق<sup>۱۱</sup> شکاربانان و قرقچیان<sup>۱۲</sup> شاه بوده و از گذشته تا اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار، شاهان و شاهزادگان برای تفرج<sup>۱۳</sup> و شکار به این کوهستان زیبا می‌آمدند.



۱. بلندترین
۲. نزدیکی
۳. حد وسط گرما و سرما یا خشکی و رطوبت
۴. نام یکی از رودهای بافت
۵. (اینجا) نام یکی از رودهای بافت
۶. منطقه
۷. سابقه
۸. منطقه‌ی کوهستانی
۹. فراوان، زیاد
۱۰. دلیل نامگذاری یک مکان یا تاریخچه بعضی از کلمه‌ها یا عبارت‌ها
۱۱. جایی که به افراد خاصی اختصاص دارد و ورود دیگران به آنجا ممنوع است.
۱۲. (در قدیم) نگهبانان املاک یک شخص یا املاک شاه
۱۳. تفریح و سرگرمی
۱۴. منطقه‌ای
۱۵. متفاوت
۱۶. کاشتن

خوانندگان محترم پارسی‌نامه،

این بار شما برای پارسی‌نامه بنویسید: بنویسید کدام بخش از پارسی‌نامه را دوست دارید؟ اولین بخشی که از پارسی‌نامه می‌خوانید، کدام است؟ آیا تا به حال برای پارسی‌نامه مطلبی نوشته‌اید؟ دوست دارید در کدام بخش از پارسی‌نامه فعالیت کنید؟ به نظر شما جای چه مطلبی در پارسی‌نامه خالی است؟ دوست دارید چه مطالب دیگری را بخوانید؟ بدانید؟

پارسی‌نامه پذیرای پیشنهادات شماست!

منتظریم!

parsiname.magazine@gmail.com



سیمین خلیلی که به سیمین بهبهانی معروف است، شاعر غزل سرای ایرانی، ۲۸ تیرماه سال ۱۳۰۶ در تهران به دنیا آمد. پدرش، عباس خلیلی، شاعر و روزنامه‌نگار بود و مادرش، فخر عظمی ارغون، شاعر و از **اشراف‌زادگان**<sup>۱</sup> تهران بود. تربیت سیمین و **تمایل**<sup>۲</sup> او به شعر و ادبیات **تحت تأثیر**<sup>۳</sup> مادرش و رفت‌وآمد شاعران بزرگی چون ملک‌الشعرای بهار و پروین اعتصامی به منزل آن‌ها بود.

اولین شعر سیمین سیمین از نوجوانی شعر می‌گفت. اولین شعر او **مضمونی**<sup>۴</sup> اجتماعی داشت. پروین اعتصامی که از دوستان نزدیک مادرش بود، پس از دیدن شعر سیمین، او را تشویق کرد و سیمین که از دوستان شعر پروین بود، به **پیروی**<sup>۵</sup> از او شعرهایی با مضمون اجتماعی و دردهای انسانی می‌سرود. در آینده نیز شعرهای سیمین بیشتر اجتماعی و عاشقانه بود. تسلط او بر ادبیات و فنون غزل سرایی و **خلاقیتی**<sup>۶</sup> که در این زمینه داشت، لقب **بانوی غزل و نیمای غزل** را برای او به **ارمغان آورد**<sup>۸</sup>.

تحصیلات و ازدواج سیمین در سال ۱۳۲۵ با حسن بهبهانی ازدواج کرد و صاحب ۳ فرزند شد. پس از ازدواج شعرهایش را با نام بهبهانی امضا می‌کرد و با وجود این که **این ازدواج به جدایی کشید**<sup>۹</sup>، امروز نیز با همین نام شناخته می‌شود. او در رشته‌ی حقوق دانشگاه تهران درس خواند، اما دوست نداشت در این رشته کار کند. او شغل معلمی را انتخاب کرد.

پایان زندگی سیمین پس از ۸۷ سال و یک ماه زندگی، بر اثر بیماری قلبی-ریوی در ۲۸ مرداد سال ۱۳۹۳ درگذشت. **وی**<sup>۱۰</sup> در حوزه‌ی ترانه و **تصنیف**<sup>۱۱</sup> ۳۵۰ اثر دارد. بعضی از ترانه‌های معروف او که به اجرای خوانندگان **مطرح**<sup>۱۲</sup> در آمده، عبارتند از:

«هوای گریه»، «چرا رفتی»، «کولی»، با صدای همایون شجریان، «دوباره می‌سازمت وطن»، با صدای داریوش اقبالی، «سکوت گویا» با صدای ایرج بسطامی، «به کنارم تو بمان»، با صدای محمدرضا شجریان.

من اگر مرد بودم،  
دست زنی را می‌گرفتم  
**پا به پایش**<sup>۱۳</sup> فصل‌ها را قدم می‌زدم  
و برایش از عشق و دلدادگی می‌گفتم  
**تا لا اقل**<sup>۱۴</sup> یک دختر  
در دنیا از هیچ چیز نترسد

منبع: [www.chetor.com](http://www.chetor.com)

۱. بزرگ‌زادگان
۲. علاقه، میل
۳. تابع، پیرو
۴. مفهوم، معنی
۵. دنبال
۶. نوآوری
۷. عنوان، نام
۸. به همراه داشت (کاربرد این عبارت برای اتفاق‌های خوب و خوشحال‌کننده‌ای است که برای یک نفر به وجود می‌آید).
۹. این ازدواج به طلاق منجر شد.
۱۰. او
۱۱. آواز
۱۲. معروف، مشهور
۱۳. همراه او
۱۴. دست کم

آموزش واژه  
و اصطلاح

## ما و خوراکی‌های خوشمزه

نویسنده | آناهیتا بیرجندی

امروز من و مینا به **بازار تجریش**<sup>۱</sup> رفته بودیم. در قسمتی از این بازار زیبا، خوراکی‌های خوشرنگ زیادی بود. ما مقداری میوه خریدیم. وقتی از جلوی فروشگاه‌های مربا و **ترشی**<sup>۲</sup> رد می‌شدیم، مینا گفت: «وای... **دهنم آب افتاد**». من به صورتش نگاه کردم ولی هیچ آبی روی صورت یا اطراف دهانش ندیدم. برای همین گفتم: «نه، چیزی نیست.»  
با خودم فکر کردم شاید این جمله یک شوخی یا یک دُعاست. در راه برگشت به خوابگاه، از مینا پرسیدم: «چرا فکر می‌کردی روی صورت و دهن آب هست؟ من نفهمیدم منظورت چیه. این یک شوخی بود یا برای اومدن باران دعا می‌کردی؟»  
مینا چند لحظه سکوت کرد و بعد بلند خندید و گفت: «من خیلی ترشی دوست دارم و وقتی این خوراکی‌های ترش و **رنگ‌ووارنگ**<sup>۳</sup> رو می‌بینم، دهنم آب می‌افته. این یعنی که دلم می‌خواهد همه‌ی این خوراکی‌ها رو بخورم.»



اصطلاح  
آب افتادن دهان: میل زیاد برای خوردن یک خوراکی مخصوصاً خوراکی‌های ترش

شما وقتی یک خوراکی ترش می‌بینید چه احساسی دارید؟  
دوست دارید آن را امتحان کنید؟



۱. نام بازاری قدیمی در شمال تهران  
۲. یک خوراکی که ایرانی‌ها آن را همراه با غذا می‌خورند، ترش و گاهی تند است و با انواع سرکه درست می‌شود.  
۳. واژه‌ای گفتاری به معنی رنگارنگ، چندرنگ

الف) قید کلمه‌ای است که چگونگی انجام فعل را نشان می‌دهد:

- او سریع آمد.

- او خوب می‌نویسد.

ب) قید کلمه‌ای است که چگونگی انجام یک عمل را نشان می‌دهد:

- من از آهسته صحبت کردنِ استادم خوشم می‌آید.

پ) قید کلمه‌ای است که میزان و مقدار یک صفت را نشان می‌دهد:

- او بسیار خوشحال است.

سریع: قید

خوب: قید

آهسته: قید

بسیار: قید



\* قید از نظر معنی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی زمان، مکان، چگونگی و مقدار باشد:

- من فردا به دانشگاه می‌روم.
- دوستم را در فرودگاه دیدم.
- او خوشحال وارد کلاس شد.
- کم کم هوا ابری شد.

\* قید از نظر معنی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تاکید، تعجب و افسوس باشد:

- البته همه‌ی ما کشورمان را دوست داریم.
- شگفتا! انسان چگونه می‌تواند محیط زیست خود را با استفاده از علم و فناوری نابود کند؟! شگفتا: قید تعجب
- متأسفانه نتوانستم شما را ببینم.

## تفاوت قید و صفت:

- صفت بعد از اسم می‌آید و با کسره‌ی اضافه به آن متصل می‌شود:
- کار زیاد ما را خسته کرده است. زیاد: صفت
- قید با کسره‌ی اضافه به اسم قبل یا اسم بعد از خود متصل نمی‌شود:
- زیاد کار کردن ما را خسته کرده است. زیاد: قید
- گاهی یک گروه قیدی در جمله وجود دارد:
- ساعت چهار عصر به خانه رسیدم. ساعت چهار عصر: قید زمان
- او غذا را روی میز گذاشت. روی میز: قید مکان

چند نمونه‌ی دیگر

احمد پسر آرامی است. احمد آهسته حرف می‌زند.

آرام (۱): صفت آرام (۲): قید

چه کتاب‌های جالبی داری! خودت هم جالب می‌نویسی.

جالب (۱): صفت جالب (۲): قید

تمرین

صفت و قید را برای کلمه‌هایی که زیر آن خط کشید شده، مشخص کنید.

۱. من در خانه کتابخانه‌ی بزرگی دارم.
۲. او خوب می‌دود.
۳. مادرم میوه‌های خوبی خرید.
۴. آرش همیشه بلند می‌خندد.
۵. در شمال تهران کوه‌های بلندی وجود دارد.
۶. پروین سریع به خانه آمد.
۷. غذای تندی خوردم.
۸. خیلی تند غذا خوردم.

قید



یک روز که با من درددل می‌کرد<sup>۱</sup>، گفتم: «من نمی‌بایست<sup>۲</sup> به حرف‌های او گوش بدهم. هرگز نباید به حرف گل‌ها گوش داد. فقط باید نگاه‌شان کرد و بوییدشان<sup>۳</sup>. گل من سیاره‌ی<sup>۴</sup> مرا<sup>۵</sup> معطر<sup>۶</sup> می‌کرد، اما من نمی‌دونستم چگونه از او لذت ببرم، بار دیگر با من درددل کرد که:

– من آن وقت‌ها هیچ نمی‌توانستم بفهمم... می‌بایست درباره‌ی او از روی کردارش<sup>۷</sup> قضاوت کنم<sup>۸</sup> نه از روی گفتارش. او دماغ مرا معطر می‌کرد و به دلم روشنی می‌بخشید. من هرگز نمی‌بایست از او بگیرم<sup>۹</sup>! چه ضدونقیض‌اند<sup>۱۰</sup> این گل‌ها! ولی من بسیار خام‌تر<sup>۱۱</sup> از آن بودم که بدانم چگونه باید دوستش بدارم.

به گمانم شازده کوچولو برای فرارش، از مهاجرت پرندگان کوهی استفاده کرد. صبح روز حرکت، سیاره‌اش را خوب مرتب کرد. آتش‌فشان‌های روشنش را به دقت پاک کرد. دو آتش‌فشان روشن داشت که استفاده از آنها برای گرم کردن صبحانه‌اش بسیار راحت بود. یک آتش‌فشان خاموش هم داشت. ولی به قول خودش: «کسی چه می‌داند؟» به همین دلیل آتش‌فشان خاموشش را هم پاک کرد. آتش‌فشان‌ها اگر خوب پاک شوند، ملایم<sup>۱۲</sup> و مرتب و بدون فوران<sup>۱۳</sup> می‌سوزند.

انجام تمام این کارهای خانگی در آن صبح به نظرش بی‌اندازه<sup>۱۴</sup> شیرین آمد. برای آخرین بار گلش را آب داد. احساس کرد که می‌خواهد گریه کند.

به گلش گفت: خداحافظ!

ولی گل به او جواب نداد.

باز گفت: خداحافظ!

گل سُرُفه کرد، ولی این سُرُفه از زُکام<sup>۱۵</sup> نبود. آخر گفت:

– من آحمق<sup>۱۶</sup> بودم. من از تو عذر می‌خواهم. سعی کن خوشبخت باشی. اینقدر مس‌مس نکن<sup>۱۷</sup>. این ناراحت‌کننده است. حال که تصمیم به رفتن گرفته‌ای، برو!

شازده کوچولو برای یافتن کاری و کسب<sup>۱۸</sup> دانشی، سرکشی<sup>۱۹</sup> به ستارگان<sup>۲۰</sup> ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، و ۳۳۰ را آغاز کرد<sup>۲۱</sup>.

در ستاره‌ی اول پادشاهی منزل داشت<sup>۲۱</sup>.

پادشاه در جامه‌ی<sup>۲۲</sup> آرغوانی<sup>۲۳</sup> بر تختی بسیار ساده ولی در عین حال باشکوه<sup>۲۴</sup> نشسته بود.

پادشاه وقتی شازده کوچولو را دید، داد زد:

– آهان... این هم رعیت<sup>۲۵</sup>!

شازده کوچولو در دل گفت:

– از کجا مرا می‌شناسد؟ او که هیچ وقت مرا ندیده است.

و نمی‌دانست که مفهوم دنیا برای پادشاهان خیلی ساده است: همه‌ی مردم رعیت هستند.

## مرد نادان و دامپزشک



شخصی چشمش درد گرفت و برای درمان پیش دامپزشک<sup>۱</sup> رفت. دامپزشک دارویی را که برای درمان چشم خرها استفاده می‌کرد، توی چشم مرد ریخت. مرد کور شد. آن مرد از دامپزشک شکایت کرد و به قاضی گفت: این شخص دارویی را که در چشم خرها می‌ریخت در چشم من هم ریخت و من کور شدم. قاضی گفت: دامپزشک بی‌گناه است، چون اگر تو خر<sup>۲</sup> نبودی، برای معالجه<sup>۳</sup> نزد دامپزشک نمی‌رفتی و پیش پزشک متخصص می‌رفتی.

داستان کوتاهی که خواندید، یکی از حکایت‌های گلستان سعدی است. اصل حکایت چنین است:

مردکی را چشم‌درد خاست. پیش بیطار<sup>۴</sup> رفت که دوا کن. بیطار از آنچه که در چشم خرها می‌کرد در چشم او ریخت و کور شد. مردک شکایت به قاضی برد و گفت: این بیطار من را خر فرض کرد و از آنچه که در چشم خرها می‌ریخت در چشم من فرو ریخت و کور شدم، قاضی گفت: بر بیطار هیچ تاوان نیست اگر تو خر نبودی با حضور طبیبان حاذق<sup>۵</sup>، پیش بیطار نمی‌رفتی.

نَدَه بوشمزد روشن رای به فریاد، کارهایِ ظییر

بوریا باف اگر چه بافنده است بُرندش به کارگاهِ ترییر

۱. پزشک مخصوص حیوانات
۲. این حیوان نماد نادانی است
۳. درمان
۴. دامپزشک
۵. ماهر

۱. حرف دل خود را به من می‌گفت.
۲. نباید
۳. گل‌ها را بو کرد.
۴. کره
۵. من را
۶. خوشبو
۷. رفتار، عمل
۸. دآوری کردن
۹. فرار کردن
۱۰. مخالف یکدیگر، ضد یکدیگر
۱۱. (اینجا) بی‌تجربه
۱۲. نرم
۱۳. خروج آتش از دهانه‌ی آتش‌فشان
۱۴. خیلی
۱۵. سرماخوردگی
۱۶. نادان
۱۷. آهسته نباش، عجله کن، سریع باش
۱۸. به دست آوردن
۱۹. سرزدن، مشاهده و بررسی
۲۰. شروع کرد
۲۱. زندگی می‌کرد
۲۲. لباس
۲۳. نوعی رنگ بنفش
۲۴. باعظمت، بزرگ
۲۵. مردم عادی، کسی که از طبقه اشراف نیست

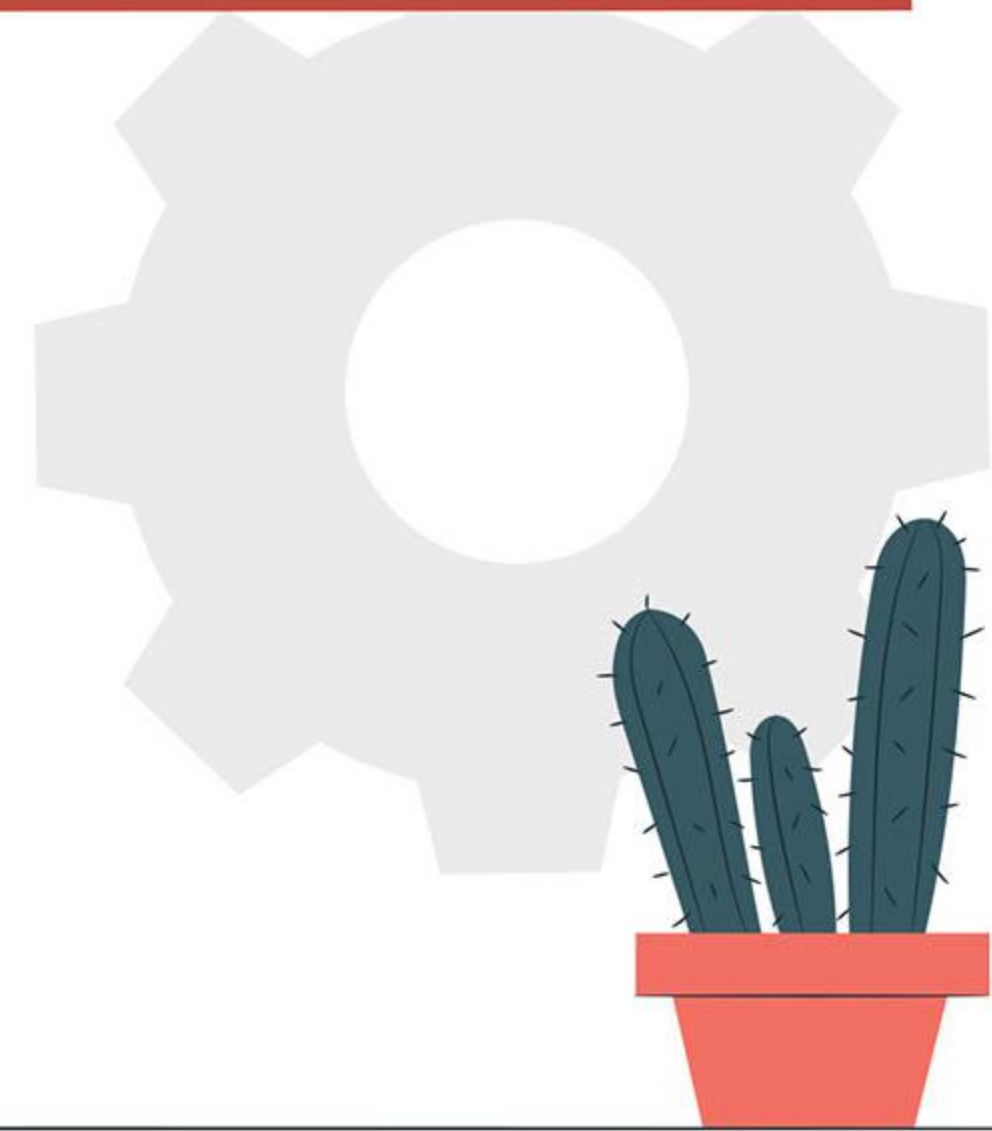
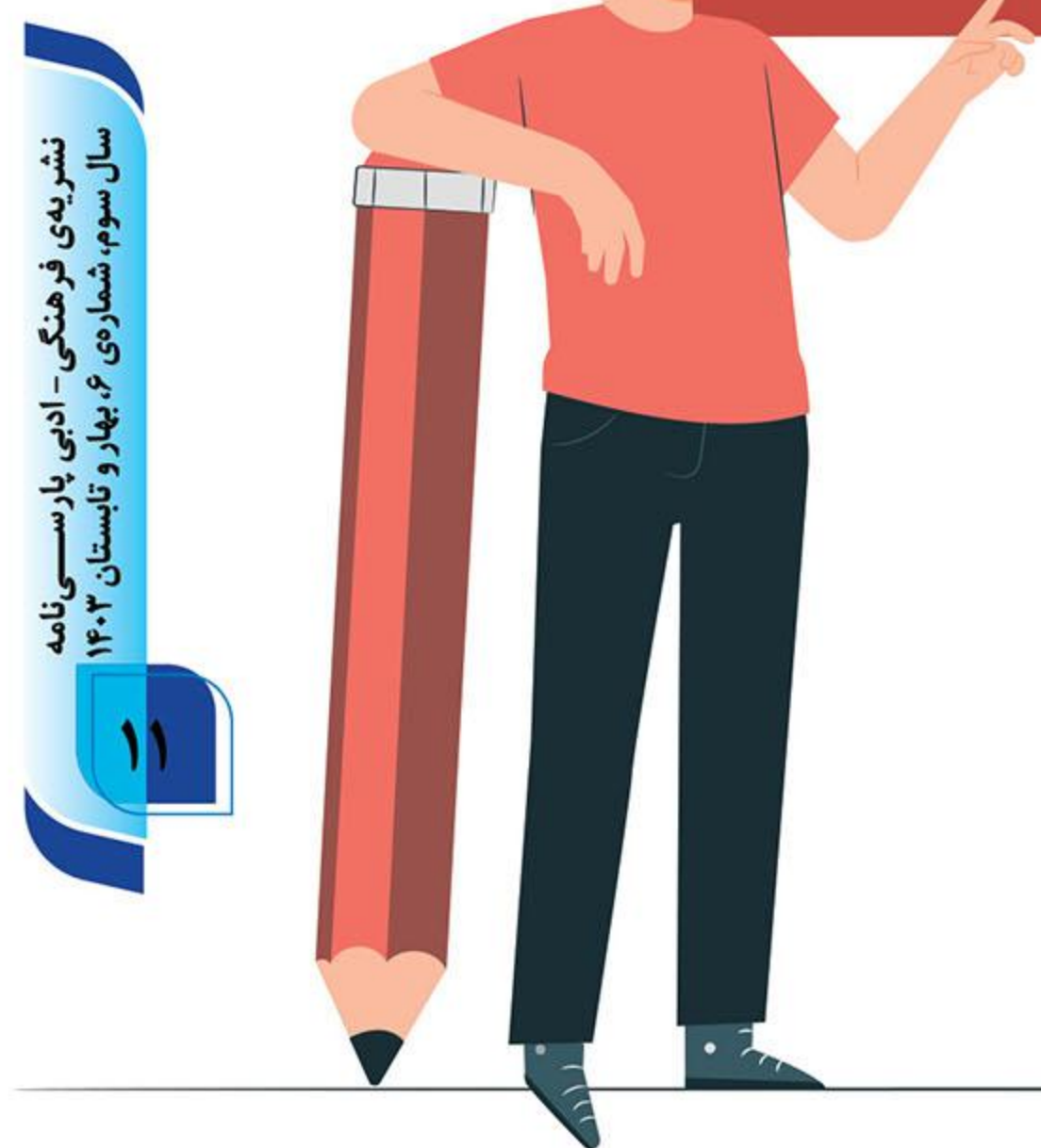
## جدول

نویسنده: آناهیتا بیرجندی

برای حل این جدول، از مطالب شماره‌ی قبل (ویژه‌نامه) مجله‌ی پارسی‌نامه کمک بگیرید.

۱. قند پهلو
۲. نام پدر فریدون
۳. پرندۀ سخنگو
۴. یکی از تقسیمات کشوری
۵. باد ملایم
۶. جزیره‌ای نزدیک استرالیا
۷. ناراحت نیست

						۱
						۲
						۳
						۴
						۵
						۶
						۷



سرگرمی

## چیستان

تهیه‌کننده: راضیه کاشفی خویشان



چیستان ۱: اسم را بگو

مجموعه: خراگه

آن چیست که به محض اینکه اسمش را بگوئید، ناپدید می‌شود؟

چیستان ۲: عاشقان ساحل

مجموعه: خراگه

آن چیست که در هنگام خشک کردن مرطوب می‌شود؟

چیستان ۳: گنج نهان

مجموعه: خراگه

من شهرها و روستاهای بسیاری دارم، اما هیچ خانه‌ای ندارم. کوه دارم، اما درخت ندارم. من آب دارم، اما درونم ماهی ندارم! من چی هستم؟

نشریه فرهنگی - ادبی پارسی‌نامه سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱۰

## به قلم شما

سلام سلام دوستای خوب من!  
مجله‌ی پارسی‌نامه یک بخش جدید آورده  
می‌خواید بدونید چیه؟  
با من بیاید!

شما که فارسی می‌خونی، شما که فارسی بلدی، به داستان تصویری زیر نگاه کن  
و برامون یه داستان بنویس و بفرست.



با نام خودت توی مجله‌ی پارسی‌نامه چاپش می‌کنیم.  
عکس یادت نره. عکس قشنگت رو هم برامون ایمیل کن:

Parsiname.magazine@gmail.com



## دو شعر کوتاه از دانشجوی فوش ذوق ایتالیایی

مدرس: آناهیتا بیرجندی

شاعر: فیلیپو کاتزارو

نزدیک دی هستیم یا فروردین؟  
گمان می‌کنم خدا غمت را احساس می‌کند  
که در این روزهای زمستانی  
آفتاب می‌درخشد  
تا دلت را گرم کند.

مانند برگ‌های درخت که از شاخه‌ها آویخته‌اند  
و از نسیم می‌ترسند  
و نمی‌خواهند از جوهرشان جدا شوند  
من از اندیشه‌ی جدا شدن در این زمان می‌ترسم  
ولی می‌دانم  
بهار زود می‌رسد.



## مترسک‌ها هم می‌ترسند

نام و نام خانوادگی: مصور احمد طاهر  
ملیت: پاکستانی  
سطح: پیشرفته  
مدرس: الهام بابایی



متن اصلی:

مترسک‌ها هم می‌ترسند

من یک مترسک هستم، یک مترسک کوچولو. بچه‌ی آدم وقتی چشم به جهان می‌گشاید، دور و برش مادر و پدر و گاهی پزشک و پرستار و گاهی دیگر خواهر و برادر را می‌یابد. هرکسی با مهر و محبت نوازشش می‌کند. هرگاه به گریه می‌افتد کسی را دارد که او را بخنداند. حتی شب وقتی می‌خواهد به خواب فرو برود کسی را دارد که برایش لالایی بخواند و هرگاه در خواب ترس به سراغش می‌آید، دست مادر خود را می‌گیرد و آرام می‌یابد، اما زندگی‌ام این‌گونه شروع نشد. بلکه یک صبح زمستانی تک‌وتنها در یک مزرعه‌ی دورافتاده، به دنیا آمدم. دور تا دور من گندم‌زار بود و من بودم. چون به دنیا آمدم هیچ‌کس خوشحال نشد حتی این کلاغ‌های لعنتی هم به ناله و زاری و شیون درآمدند، من هرکسی را با دست باز خوش آمدید می‌گویم اما نمی‌دانم چرا هرکسی از من می‌ترسد و از من فرار می‌کند، حتی بچه‌های هم‌سن‌وسالم نیز با من برخورد خوبی ندارند گاه‌گاهی مرا کلوخ می‌زنند و اذیت می‌کنند.



# مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه الزهرا

مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا از سال ۱۳۹۵ ه.ش. (۲۰۱۶ م.) گشایش یافت<sup>۱</sup>. این مرکز تاکنون از کشورهای مختلف مانند هند، پاکستان، ترکیه، عراق، روسیه، سوریه، بنگلادش، فرانسه، آلمان، برزیل و ... فارسی‌آموز داشته است.

## از ویژگی‌های این مرکز

- یک دوره‌ی آموزشی از سطح مقدماتی تا پیشرفته، ۶ ترم است.
- هر ترم ۱۰۰ ساعت و یک دوره‌ی آموزشی کامل ۶۰۰ ساعت است.
- دوره‌های این مرکز به صورتِ حُضوری یا مَجازی (آنلاین) است.
- در این دوره‌ها هر چهار مهارت گوش کردن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن آموزش داده می‌شود.
- زبان فارسی شامل دستور، واژگان و اصطلاحات با هدف ارتباط در محیط واقعی آموزش داده می‌شود.
- پس از پایان دوره به زبان آموزان گواهی<sup>۲</sup> معتبر<sup>۳</sup> دانشگاهی داده می‌شود.
- مُدرسان این مرکز در حوزه‌ی آموزش زبان فارسی باتجربه و متخصص هستند.
- مدرسان بعد از گذراندن مصاحبه‌ی تخصصی و قبولی در این مصاحبه می‌توانند تدریس کنند.
- فارسی‌آموزان به امکانات مختلفی مانند کتابخانه، رستوران، فروشگاه و کافه در داخل دانشگاه دسترسی دارند.

یکی از ویژگی‌های این مرکز انتشار مجله‌ی «پارسی‌نامه» برای شما فارسی‌دوستان است. مجله‌ی «پارسی‌نامه» که اکنون پیش روی شماست، با همکاری گروهی از مدرسان مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا از سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

- کتاب‌های این مرکز با عنوان «پارسی‌یار» برای آموزش چهار مهارت زبان فارسی به‌زودی منتشر خواهد شد.
- کتاب «پارسی‌یار» با روشی جدید گفتار و نوشتار زبان فارسی را به‌طور همزمان آموزش خواهد داد.

**امکانات فارسی آموزان**

- واقع در مرکز فرهنگی، از بهترین امکانات برای فارسی‌آموزان
- دسترسی به اینترنت پرسرعت و رایگان
- دسترسی به کتابخانه و مراکز فرهنگی
- دسترسی به مراکز درمانی و بهداشتی
- دسترسی به مراکز ورزشی و تفریحی
- دسترسی به مراکز خدمات رفاهی
- دسترسی به مراکز خدمات آموزشی
- دسترسی به مراکز خدمات فرهنگی
- دسترسی به مراکز خدمات اجتماعی
- دسترسی به مراکز خدمات تخصصی

**ویژگی‌های مرکز**

- آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا
- مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه الزهرا

**International Center for Teaching Persian at Alzahra University (AZFA)**

**Advantages of Learning Persian at Alzahra University AZFA**

- Having the best educational infrastructure (class of 15-20 students)
- Small classes and highly qualified teachers
- Well equipped and well organized library
- Fully equipped and well organized dormitory in the campus for students who are in the AZFA Center for Persian
- Availability of facilities required for studies (such as computer and internet facilities, library, etc.)
- The center and dormitory are well equipped with modern furniture, kitchen, laundry, shower, etc.
- The center is well equipped with modern furniture, kitchen, laundry, shower, etc.
- The center is well equipped with modern furniture, kitchen, laundry, shower, etc.

**Features of Alzahra University AZFA**

- It is the best educational infrastructure (class of 15-20 students)
- Small classes and highly qualified teachers
- Well equipped and well organized library
- Fully equipped and well organized dormitory in the campus for students who are in the AZFA Center for Persian
- Availability of facilities required for studies (such as computer and internet facilities, library, etc.)
- The center and dormitory are well equipped with modern furniture, kitchen, laundry, shower, etc.
- The center is well equipped with modern furniture, kitchen, laundry, shower, etc.
- The center is well equipped with modern furniture, kitchen, laundry, shower, etc.

**About Us**

International Center for Teaching Persian at Alzahra University (AZFA) is a center for teaching Persian to non-Persian speakers. It was established in 1395 and has been providing high-quality Persian language education for over a decade. The center is well equipped with modern facilities and is located in the heart of the Alzahra University campus. It offers a wide range of Persian language courses for students of all levels. The center is well equipped with modern facilities and is located in the heart of the Alzahra University campus. It offers a wide range of Persian language courses for students of all levels.

**Contact Us**

- The International Center for Teaching Persian at Alzahra University (AZFA)
- Website: <http://www.aazfa.ac.ir>
- Email: [aazfa@alzahra.ac.ir](mailto:aazfa@alzahra.ac.ir)
- Instagram: <https://www.instagram.com/aazfa.alzahra>
- Telegram: [https://t.me/aazfa\\_alzahra](https://t.me/aazfa_alzahra)

وبسایت: <https://aazfa.alzahra.ac.ir>  
ایمیل: [aazfa@alzahra.ac.ir](mailto:aazfa@alzahra.ac.ir)  
اینستاگرام: <https://www.instagram.com/aazfa.alzahra>  
تلفن و واتس‌آپ: ۰۰۹۸۹۱۰۸۹۸۵۵۹۷

وبسایت: <https://aazfa.alzahra.ac.ir>  
ایمیل: [aazfa@alzahra.ac.ir](mailto:aazfa@alzahra.ac.ir)  
اینستاگرام: <https://www.instagram.com/aazfa.alzahra>  
تلفن و واتس‌آپ: ۰۰۹۸۹۱۰۸۹۸۵۵۹۷

همه فکر می‌کنند که من یک آدم خشن و ترسناک هستم و هرگز خواست و احساس ندارم. من هم می‌خندم و گاهی افسرده‌خاطر می‌شوم، گاهی هم می‌ترسم.

یک شب زمستانی سرد و بارانی بود و من در مزرعه‌ی دورافتاده، تنها بودم و هوای آن شب خیلی سرد بود. روشنایی صاعقه گاه‌گاهی بینایم را کور می‌کرد و صدای رعدوبرق دل آدم را می‌لرزاند. آن شب واقعاً خیلی ترسیده بودم. خواستم ای کاش کسی را داشته باشم تا ترسم بریزد، اما من بودم و تنهایی. در این هوای سرد درختان بی‌برگ هم از ترس می‌لرزیدند. در این هوای ترسناک، ناگهان یک گنجشک کوچولو زیر پایم آمان گرفت. من در آن هنگام در درونم یک حس خوبی احساس کردم الان خودم را یک ملجأ و پناهگاه تلقی می‌کردم. آنگاه می‌خواستم که ای کاش صاعقه خودش را نشان ندهد، مبادا این گنجشک ازم بترسد و پا به فرار بگذارد. ناگهان باران شروع کرد به باریدن، من تمام قطره‌های یخ‌زده را روی بدنم گرفتم، اما آن پرنده‌ی آواره را در راحت نگه داشتم. تمام قطره‌های یخ را به بدنم فروکردم اما آن پرنده از حالم بی‌خبر به خواب فرورفت و من تمام شب طوفانی و بارانی نخوابیدم.

## بعد از ویرایش:

مترسک‌ها هم می‌ترسند

من یک مترسک هستم، یک مترسک کوچولو. بچه‌ی آدم وقتی چشم به جهان می‌گشاید، دور و برش مادر و پدر و گاهی پزشک و پرستار و گاهی وقت‌ها خواهر و برادر را می‌یابد. هرکسی با مهر و محبت نوازشش می‌کند. هرگاه به گریه می‌افتد کسی را دارد که او را بخنداند. حتی شب وقتی می‌خواهد به خواب برود کسی را دارد که برایش لالایی بخواند و هرگاه در خواب، ترس به سراغش می‌آید، دست مادر خود را می‌گیرد و آرام می‌شود، اما زندگی‌ام این‌گونه شروع نشد. بلکه یک صبح زمستانی تک‌وتنها در یک مزرعه‌ی دورافتاده، به دنیا آمدم. دور تا دور من گندم‌زار بود و من بودم. وقتی به دنیا آمدم هیچ‌کس خوشحال نشد حتی این کلاغ‌های لعنتی هم به ناله و زاری و شیون درآمدند، من با دست باز به هرکسی خوش آمد می‌گویم اما نمی‌دانم چرا همه از من می‌ترسند و از من فرار می‌کنند، حتی بچه‌های کوچک نیز با من برخورد خوبی ندارند گاه‌گاهی به من سنگ می‌زنند و آذیت می‌کنند.

همه فکر می‌کنند که من یک آدم خشن و ترسناک هستم و هرگز در خواست و احساس ندارم. من هم می‌خندم و گاهی رنجیده‌خاطر می‌شوم، گاهی هم می‌ترسم.

یک شب زمستانی که سرد و بارانی بود و من در مزرعه‌ی دورافتاده تنها بودم، روشنایی صاعقه گاه‌گاهی بینایم را کور می‌کرد و صدای رعدوبرق دل آدم را می‌لرزاند. آن شب واقعاً خیلی ترسیده بودم. با خود گفتم ای کاش کسی را داشته باشم تا ترسم بریزد، اما من بودم و تنهایی. در این هوای سرد درختان بی‌برگ هم از ترس می‌لرزیدند. در این هوای ترسناک ناگهان یک گنجشک کوچولو زیر پایم آمان گرفت. آن هنگام من در درونم یک حس خوبی احساس کردم آن لحظه خودم را یک ملجأ و پناهگاه می‌دیدم. کاش نور صاعقه من را نشان ندهد، مبادا این گنجشک ازم بترسد و پا به فرار بگذارد. ناگهان باران شروع به باریدن کرد. من تمام قطره‌های باران را روی بدنم نگه داشتم تا آن پرنده‌ی آواره راحت باشد. تمام قطره‌های باران را در بدنم فروکردم اما آن پرنده از حالم بی‌خبر به خواب رفت و من تمام آن شب طوفانی و بارانی نخوابیدم.



۱. باز شد، شروع به کار کرد  
۲. مدرک  
۳. مورد اعتماد، باعتبار

## خوشنویسی

نویسنده

الهام بابایی

حروف زیر را بنویسید و تمرین کنید.

ع ع ع

غ غ غ

کلمات زیر را بنویسید و تمرین کنید.

عدد - عدد

دعا - دعا

معلم - معلم

مزرعه - مزرعه

رعد و برق - رعد و برق

مرغ - مرغ

خند - خند

عقاب - عقاب

جمع - جمع

باغ - باغ

غروب - غروب

دلغ - دلغ

غذا - غذا

جملات زیر را بنویسید و تمرین کنید.

غذای من دلغ است

غروب آفتاب زیباست

عقاب و خند و مرغ، حرسه پرنده اند

معلم امروز تا عدد صد را درس داد

تمرین بیشتر

من حیوانات را دوست دارم. حیوان مورد علاقه ام قورباغه است. چون صدای شگفتی دارد. قورباغه حیوان دوزیستی است. یعنی هم در آب است هم خارج از آب. قورباغه سبز است و من سبز را هم خیلی دوست دارم.

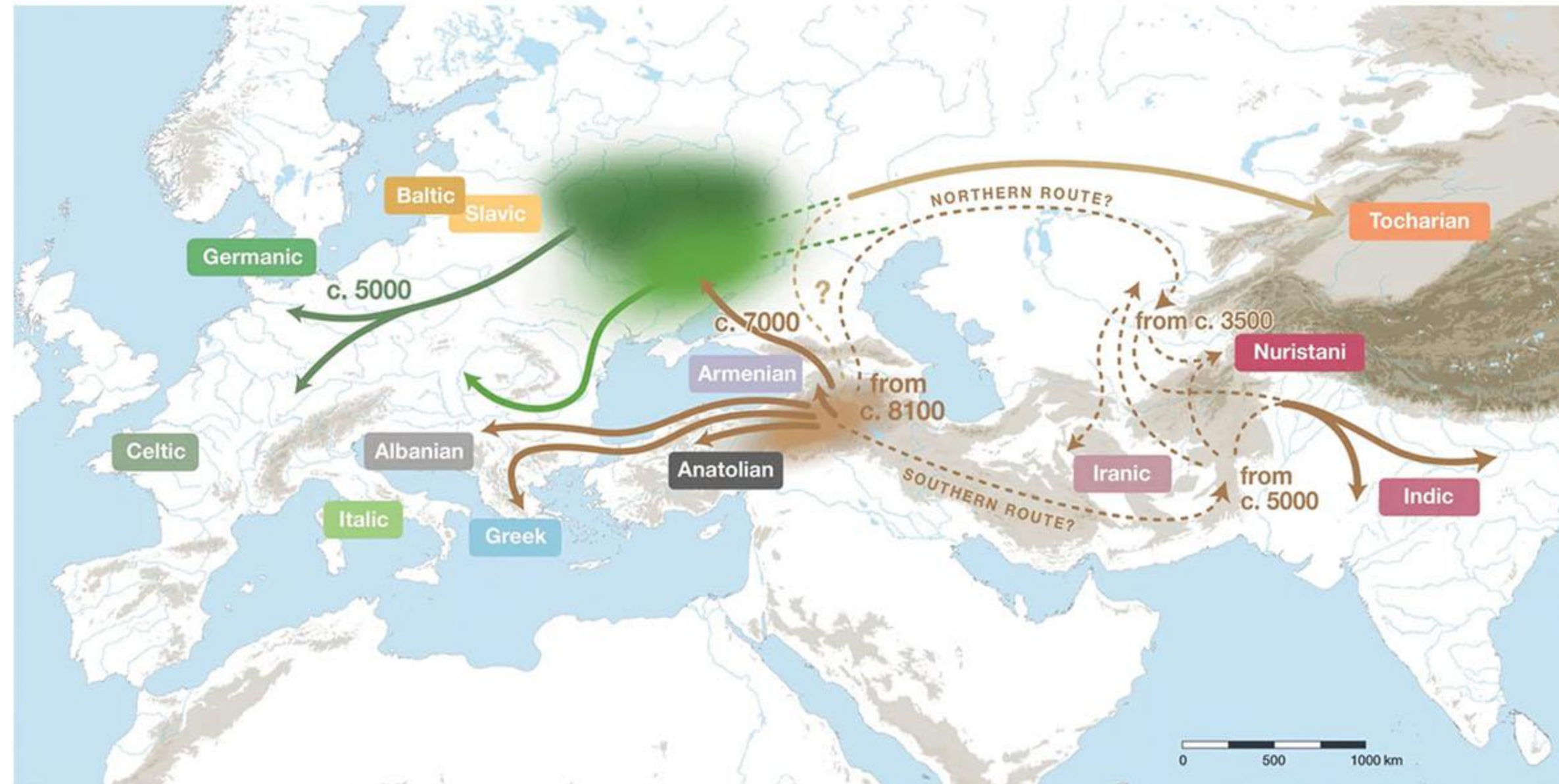




ترجمه: سارا کیانی

## ریشه‌ی زبان‌های هندواروپایی کجاست؟

طبق پژوهش‌های اخیر، ریشه‌ی زبان انگلیسی به منطقه‌ای از جنوب قفقاز، بین مرز ایران و ترکیه بر می‌گردد. پروفیسور راسل گری از استادان موسسه‌ی مکس پلانک<sup>۱</sup> در آلمان و دانشگاه اوکلند در نیوزیلند به تازگی در پژوهش‌های زبان‌شناختی خود به همراه یک تیم پژوهشی، به این نتیجه رسیده‌اند که ریشه‌ی زبان انگلیسی را می‌توان به کشاورزان ماقبل تاریخ (در حدود ۸۰۰۰ سال قبل) در جنوب قفقاز نسبت داد؛ منطقه‌ای که امروزه در شرق ترکیه و شمال غربی ایران است.



نقشه برگرفته از سایت دانشگاه اوکلند به نشانی <https://www.auckland.ac.nz>

نتیجه‌ی این پژوهش‌ها که در آگوست ۲۰۲۴ منتشر شده است، حاصل ۲۰۰ سال بحث و بررسی درباره‌ی زمان و مکان شروع خانواده‌ی زبان‌های هندواروپایی<sup>۲</sup> است. در حال حاضر می‌توان گفت که اولین بار زبان پروتو-هندواروپایی<sup>۳</sup> در یک منطقه‌ی حاصلخیز کشاورزی از دریای مدیترانه تا خلیج فارس صحبت می‌شد. زبان‌های هندواروپایی بیشترین گویشور<sup>۴</sup> را در بین خانواده‌های دیگر زبان‌های جهان دارد و بیش از ۴۰۰ زبان را در بر می‌گیرد<sup>۵</sup> و شامل زبان‌های هندوایرانی، ژرمن، لاتین، یونانی، اسلاوی، سلتی و ... می‌شود.

منبع: بخش خبر در سایت <https://www.auckland.ac.nz/en.html>

۱. The Max Planck Institute موسسه‌ای مشهور در آلمان که در حوزه‌هایی مانند علوم انسانی، علوم اجتماعی، فیزیک و زیست‌شناسی به پژوهش‌های پایه می‌پردازد و پژوهشگران این موسسه بیشترین جایزه‌ی نوبل را در بین موسسات و دانشگاه‌های دنیا دریافت کرده‌اند.  
 ۲. Indo-European languages یکی از خانواده‌های زبانی در دنیا که شامل زبان‌ها و گویش‌های مختلف از قاره‌ی اروپا تا ایران و شبه‌قاره‌ی هند است.  
 ۳. Proto-Indo-European زبان مادر زبان‌های هندواروپایی  
 ۴. کسی/ کسانی که به یک زبان صحبت می‌کنند و آن زبان مادری‌شان است؛ برای مثال، گویشوران زبان فارسی یا گویشوران زبان انگلیسی.  
 ۵. شامل می‌شود

هنر قالی‌بافی ایران از قدیم در بین مردم جهان معروف بوده است. همین باعث شده که افراد زیادی مشتاق به دست آوردن روش‌های فرش‌بافی ایرانی باشند. طرح‌های هنرمندان ماهر ایرانی برای فرش‌ها، گلیم‌ها و قالیچه‌های ایرانی، به فرش‌بافی رنگ و بوی دیگری داده است.

این طرح‌ها باعث پیشرفت این هنر قالی‌بافی اصیل کشورمان (ایران) شده است. از قدیم مردم برای جذابیت و زیبایی خانه‌هایشان، از فرش‌های دست‌باف<sup>۱</sup> استفاده می‌کردند. در گذشته‌ی نه چندان دور، افراد زیادی دنبال یادگیری و یا بافت فرش و گلیم بودند. اکنون<sup>۲</sup> کارگاه‌های قالی‌بافی دستی و ماشینی در سراسر ایران ایجاد شده است. این کارگاه‌ها می‌توانند این هنر را بیشتر از گذشته به مردم دنیا نشان دهند.

### تقسیم‌بندی نوع بافت فرش ایرانی

یکی از ویژگی‌های فرش ایرانی جنس<sup>۳</sup> آن است. انواع مختلفی از فرش‌های ایرانی با نخ‌های مختلف بافته می‌شوند مثل:

- نخ کرکی
- نخ پشمی
- نخ کرکی پشمی
- نخ‌های ابریشمی
- چله‌های ابریشمی

رنگ فرش هم در تقسیم‌بندی آن تأثیرگذار است<sup>۴</sup>. در بعضی از فرش‌ها، خود فرش، رنگ‌شده ولی در بعضی دیگر آلیاف و نخ‌های به‌کاررفته در آن رنگ‌آمیزی شده‌اند. رنگ‌های به‌کاررفته در فرش‌های دست‌باف ایرانی با رنگ‌های گیاهی، حیوانی و ... رنگ‌آمیزی شده است.

فرش ایرانی با توجه به اندازه به تعداد مختلفی تقسیم می‌شود (انواع مختلفی دارند) و به صورت قالیچه، قالی، کناره، سجاده و ... در کارگاه‌ها تولید می‌شود. فرش‌های ایرانی طرح‌های زیادی هم دارند که به صورت طرح‌های دستی، طرح‌های کامپیوتری، طرح‌های سنتی و ... تقسیم‌بندی شده‌اند. آذربایجان، اصفهان، کرمان، فارس، خراسان، همدان، کردستان، کرمانشاه، تهران، اراک، یزد و سیستان و بلوچستان از معروف‌ترین مناطق قالی‌بافی ایران‌اند.

### شما فرش‌های ایرانی رو دوست دارید؟ چه طرح و رنگی رو برای فرش دوست دارید؟

.....

.....

.....

.....

۱. فرش‌هایی که با دست بافته می‌شوند. امروزه بیشتر فرش‌ها با دستگاه یا ماشین بافته می‌شوند که به آنها فرش ماشینی گفته می‌شود.  
 ۲. حالا، الان  
 ۳. مواد تشکیل‌دهنده  
 ۴. تأثیر دارد و بسیار مهم است

نام آوران

# شجریان همایون

گردآوری و ساده‌سازی رضیه کاشفی خویشان



## زندگینامه همایون شجریان

- نام: همایون
- شهرت: شجریان
- زادروز: سی و یکم اردیبهشت یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار خورشیدی
- سبک: موسیقی ملی ایرانی و موسیقی دستگاهی و موسیقی تلفیقی
- ملیت: ایرانی
- سازها: تنبک و کمانچه
- ساز تخصصی: تنبک
- پیشه: آواز سنتی ایرانی، خواننده و موسیقی‌دان
- آغاز فعالیت هنری: از سال یک هزار و سیصد و هفتاد تاکنون

## تولد و سال‌های آغازین

همایون شجریان فرزند استاد محمدرضا شجریان و فرخنده گل‌افشان است. او یک برادر ناتنی<sup>۱</sup> به نام رایان دارد و سه خواهر بزرگ‌تر از خودش که به ترتیب فرزانه، افسانه و مژگان نام دارند.

علاقه‌مندی همایون به موسیقی از همان ابتدا با ریتم‌گیری و زدن روی چیزهای مختلف نمودار شد<sup>۲</sup> و به همین جهت پدرش با خرید تنبک وی را به کلاس‌های تنبک استاد ناصر فرهنگ‌فر سپرد. پس از آن، مدتی نیز مشق تنبک در کنار استاد دادبه مشهور<sup>۳</sup> به جانسوز انجام داد.

## دوران آموزش موسیقی

همایون شجریان فارغ‌التحصیل کنسرواتوار<sup>۴</sup> موسیقی تهران است. سازهای تخصصی او کمانچه و تنبک‌اند و گرایش اصلی او آواز ایرانی و خوانندگی در موسیقی است.

او همچنین در زمینه‌ی موسیقی تلفیقی<sup>۵</sup> نیز طبع آزموده<sup>۶</sup> و جزو مفاخر<sup>۷</sup> ملی کشورمان ایران در زمینه‌ی موسیقی است.

در ابتدا نزد استاد فرهنگ‌فر به آموختن تکنیک تنبک و شناخت ریتم‌های موسیقی ایرانی پرداخت. چند سالی نیز برای فراگیری تنبک از محضر استاد جمشید محبی بهره برد<sup>۸</sup>.

ده سال بیشتر نداشت که همراه با خواهرانش در نزد پدرش استاد محمدرضا شجریان به فراگیری رموز<sup>۹</sup> آواز ایرانی مشغول شد. در نوجوانی تکنیک‌های پیشرفته‌ی آواز و صداسازی را به صورت فشرده در محضر استادان فرا گرفت. همزمان در هنرستان موسیقی مشغول به تحصیل شد و کمانچه را به توصیه‌ی پدر به عنوان ساز تخصصی برگزید<sup>۱۰</sup>.

بعدتر در محیط بیرون از هنرستان موسیقی نیز چند وقتی از دانش استاد اردشیر کامکار بهره برده و کمانچه را نزد وی آموخت.

تنبک



کمانچه

۱. برادری که از یک پدر و مادر نباشند.
۲. مشخص شد
۳. معروف
۴. آموزشگاه موسیقی
۵. مقایسه موسیقی چند ملت مختلف
۶. نیز فعالیت داشته، تجربه داشته
۷. مایه‌ی افتخار، نام‌آوران
۸. علم آموزی کرد
۹. رمزها
۱۰. انتخاب کرد

## آغاز کنسرت‌ها

از سال ۱۳۷۰ خورشیدی در کنسرت‌های اروپا، آمریکا و ایران با نوازندگی تمبک پدرش را همراهی کرد. اما تحول بنیادین<sup>۱</sup> هنری او در سال ۷۸ خورشیدی رقم خورد<sup>۲</sup>. چون برای نخستین بار روی صحنه به اجرای همخوانی با پدرش استاد شجریان پرداخت.

در آلبوم یاد ایام که اولین اثری است که با حضور او ضبط شده است به نوازندگی استادانه‌ی تمبک پرداخته است. همچنین بهتر است بدانیم او کنسرت‌های بسیاری با استادان نامدار موسیقی ایرانی اجرا کرده است.

دو آلبوم فریاد و بی تو به سر نمی‌شود که با همکاری او اجرا شدند در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ نامزد دریافت جایزه‌ی گرمی شدند.

## آلبوم نخست همایون شجریان

سرانجام همایون شجریان پس از کسب مهارت و تجربه‌اندوزی فراوان، در سال ۱۳۸۲ خورشیدی، اقدام به انتشار نخستین آلبوم خود نمود<sup>۳</sup> که نسیم وصل نام داشت. آهنگسازی این اثر را محمد جواد ضرابیان انجام داده بود. نسیم وصل با استقبال بسیاری از سوی علاقه‌مندان، شنوندگان و منتقدان<sup>۴</sup> موسیقی مواجه شد<sup>۵</sup> و این خود سبب شد او به اجرای کنسرت‌ها و آلبوم‌های مستقل دیگری نیز بپردازد.

## آلبوم‌های دیگر همایون شجریان

همایون پس از نسیم وصل به اجرای آثار دیگری پرداخت. بلافاصله پس از انتشار نسیم وصل، در سال ۱۳۸۳، دو آلبوم شوق دوست به آهنگسازی محمد جواد ضرابیان و ناشکیبا به همراهی فنی و آهنگسازی اردشیر کامکار را اجرا و منتشر نمود.

همان‌طور که انتظار می‌رفت استقبال از این دو آلبوم نیز بالا بود و جایگاه همایون به عنوان خواننده‌ی سنتی موسیقی ایرانی تثبیت شد<sup>۶</sup>. در سال ۱۳۸۴ نیز همکاری همایون با علی قمصری سبب تولید آلبوم موسیقی نقش خیال شد که همان سال اجرا و روانه‌ی بازار شد و مورد پسند<sup>۷</sup> مردم و منتقدان قرار گرفت.

## آثار دیگر همایون شجریان

با ستاره‌ها که با همراهی هنرمند آهنگساز محمد جواد ضرابیان در مهر ماه سال ۸۵ منتشر شد، خبر از تجربه و طبع آزمایی‌های<sup>۱</sup> متفاوت همایون جوان می‌داد. پس از آن تاریخ، در سال ۸۷ با همکاری گروه موسیقی داستان، آلبوم‌های قیژک کولی و خورشید آرزو منتشر شد.

در سال ۸۸، همکاری دوباره‌ی او با آهنگساز و نوازنده‌ی توانای تار، علی قمصری به تولد آلبوم آب، نان، آواز انجامید. شب جدایی در سال ۸۹ و در سال ۹۰ آلبوم‌های شوق‌نامه و ای جان جان بی من مرو، به بازار موسیقی روانه<sup>۲</sup> شدند.

اهمیت خوانندگی همایون شجریان در آلبوم موسیقایی شوق‌نامه از آن جهت است که به گونه‌ای بازخوانی و بازبازی تصنیف‌های منسوب<sup>۳</sup> به عبدالقادر مراغی آهنگساز و نوازنده‌ی سرشناس موسیقی کهن<sup>۴</sup> است. این اثر حاصل تلاش چهار ساله‌ی گروهی به همراهی و سرپرستی محقق و آهنگساز محمدرضا درویشی بود.

شما به موسیقی سنتی ایران علاقه دارید؟  
توی کشورتون چه موسیقی‌ای از محبوبیت بیشتری برخورداره؟



۱. امتحان طبع شعر
۲. فرستاده
۳. مربوط به، متعلق به
۴. قدیمی

۱. اساسی، اصلی
۲. انفاق افتاد
۳. کرد
۴. کسانی که مطلبی را نقد می‌کنند و درباره آن توضیح می‌دهند
۵. روبه رو شد
۶. محکم شد
۷. مورد قبول

## چند غذای ساده با تخم‌مرغ

گردآوری و ساده‌سازی الهام بابایی



آیا می‌دانید که می‌توانید چند غذای ساده و خوشمزه با تخم‌مرغ درست کنید؟

## ۱. املت گوجه‌فرنگی

املت گوجه‌فرنگی را می‌توان رایج‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین املت ایرانی دانست که نسبت گوجه به تخم‌مرغ بسیار بیشتر است و از مخلوطی نرم و لطیف تشکیل می‌شود.



## مواد لازم برای ۲ نفر:

- یک قاشق غذاخوری رب گوجه‌فرنگی
- دو عدد گوجه‌فرنگی بزرگ
- دو عدد تخم‌مرغ متوسط
- روغن زیتون یا کره، نمک و فلفل به میزان لازم

## طرز تهیه املت گوجه‌فرنگی:

۱. روغن یا کره را در یک ماهی‌تابه روی حرارت متوسط گرم کنید و بعد رب گوجه‌فرنگی را برای یک دقیقه در آن تفت دهید تا بوی خامی آن گرفته شود.
۲. گوجه‌فرنگی خردشده را اضافه و خوب مخلوط کنید و اجازه دهید برای ۸ تا ۱۰ دقیقه با حرارت ملایم بپزد تا زمانی که سس غلیظی به دست آید.
۳. حالا باید تخم‌مرغ‌ها را به گوجه‌فرنگی اضافه کنید.
۴. در همین مرحله املت را با نمک و فلفل مزه‌دار کنید.

## ۲. نرگسی یا املت اسفناج

نرگسی اسفناج یا املت اسفناج، غذایی آسان، بسیار مقوی و پر از طعم‌های عالی است. نکته‌ی مهم در طبخ نرگسی این است که اسفناج خیلی زود می‌پزد؛ پس باید مواظب باشید که نسوزد. به همین دلیل بهتر است، همه‌ی مواد اولیه را کنار دست خود داشته باشید و بعد شروع به آشپزی کنید.



مواد لازم برای ۲ نفر:

- دو عدد تخم مرغ متوسط
- یک عدد پیاز خَلالی
- یک حبه سیر خُردشده
- ۵۰ گرم اسفناج خُردشده
- روغن زیتون، نمک و فلفل به میزان لازم

دستور پخت نرگسی اسفناج:

۱. روغن زیتون را در ماهی تابه روی حرارت متوسط گرم کنید.
۲. پیاز خَلالی خُردشده و سیر را در آن کمی تفت دهید تا به رنگ کاراملی شوند.
۳. اسفناج خُردشده را به ماهی تابه اضافه کنید و تفت دهید تا پخته شود؛ اما رنگ آن تغییر نکند. معمولاً اسفناج در کمتر از پنج دقیقه می پزد.
۴. حالا نمک و فلفل را اضافه کنید.
۵. تخم مرغها را یکی یکی بشکنید و اجازه دهید که سفیدهها کاملاً بپزند و زردهها نیم پز و به اصطلاح عسلی شوند.

۳. قیساوا یا املت خُرما

قیساوا یا املت خُرما شاید به نظر برخی افراد املت خوشمزه‌ای نباشد؛ اما ترکیب تخم مرغ و خرما به حدی دلچسب است که می‌توانید آن را برای صبحانه در یک روز زمستانی سرد تهیه و نوش جان کنید. بهترین خرما از نظر بافت و طعم برای این املت، خرماهای با رنگ تیره هستند.



مواد لازم برای ۲ نفر:

- دو عدد تخم مرغ بزرگ
- ۱۰ عدد خرما
- ۲۵ گرم کره
- دو قاشق غذاخوری گردوی خُردشده
- یک دوم قاشق چای خوری دارچین
- کمی نمک

طرز تهیه قیساوا:

۱. هسته‌ی خرماها را درآورید و هر خرما را به چهار قسمت بُرش بزنید.
۲. کره را در ماهی تابه با حرارت مُلایم گرم کنید.
۳. خرما را به تابه اضافه کنید و اجازه دهید تا برای چند دقیقه نرم شوند. سپس دارچین و گردوی خُردشده را در ماهی تابه بریزید و برای دو دقیقه دیگر تفت دهید.
۴. تخم مرغها را در یک کاسه بشکنید و با چنگال کمی بزنید تا زرده و سفیده‌ی آنها با هم مخلوط شوند و بعد با کمی نمک مزه دار کنید.
۵. تخم مرغها را به ماهی تابه اضافه و خوب مخلوط کنید تا خرما و گردو در همه جای املت به طور یکنواخت پخش شود.



منبع: Persian Foods Tour

# پادکست

گردآوری و ساده سازی | آناهیتا بیرجندی

**پادکست**<sup>۱</sup> به زبان ساده یعنی صدای ضبط شده‌ای که افراد در اینترنت منتشر می‌کنند و هر کسی می‌تواند به آن گوش دهد. این محتوای صوتی می‌تواند صحبت‌های یک نفر درباره‌ی موضوعی خاص، یک مکالمه‌ی چند نفره، تعریف کردن خلاصه‌ی کتاب‌ها، آموزش زبان، یا موضوع دیگری باشد. پادکست‌ها چند ویژگی مهم و مشترک دارند. پادکست‌ها فقط از **پادگیرها**<sup>۲</sup> قابل دریافت هستند. به علاوه، معمولاً پادکست‌ها کیفیت خوبی از نظر صدا و محتوا دارند. از طریق پادگیر به راحتی می‌توانید برای سازنده‌ی پادکست نظر بنویسید، پادکست را دریافت کنید یا به صورت مستقیم کمک مالی کنید. مهم‌تر این که سازنده‌ی پادکست آمار کامل و دقیقی از شنونده‌ها خواهد داشت.

پادکست از کجا آمده است؟

اوایل قرن بیست و یکم یعنی حدود بیست سال پیش بود که ایده‌ی انتشار محتوای صوتی در اینترنت برای انواع دستگاه‌ها جذاب شد. اجرای این ایده نیاز به **بستر**<sup>۳</sup> مناسبی داشت که آن موقع فراهم نبود و باید فکری برایش می‌کردند. ایده‌ی اصلی این بود که فایل‌های صوتی بعد از انتشار به صورت خودکار در دستگاه‌های پخش همراه مثل آی‌پاد دریافت شوند و **کاربر**<sup>۴</sup> هم هر زمان دوست داشت به آن گوش دهد. چندسالی طول کشید تا این ایده عملی شود، اما بالاخره شرکت‌های بزرگی مثل **آپل**<sup>۵</sup> **پا پیش گذاشتند**<sup>۶</sup> و راه را برای انتشار پادکست باز کردند. وقتی هم که موبایل‌های هوشمند در بازار زیاد شد، برنامه‌های مخصوص پخش پادکست یا همان پادگیرها آمدند و محبوبیت پادکست بیشتر شد. حتی تا مدتی هیچ نام مناسبی برای این مدل جدید از محتوا وجود نداشت تا این که یک نویسنده به نام **بن همرسلی**<sup>۷</sup> در روزنامه‌ی **گاردین**<sup>۸</sup> از اصطلاح پادکست استفاده کرد. او این نام را از ترکیب دو واژه‌ی broadcasting به معنی پخش همگانی و iPod ساخت.

بعد از این که شرکت اپل قابلیت انتشار پادکست را به نرم‌افزار **آی‌تیونز**<sup>۹</sup> اضافه کرد، ایستگاه‌های رادیویی و **هر کسی که حرفی برای گفتن داشت**<sup>۱۰</sup>، پادکست خودش را منتشر کرد. اکنون حدود یک میلیون پادکست فعال در دنیا وجود دارد. پادکست‌های فارسی هم چند سالی است تعدادشان زیاد شده است. تعداد پادکست‌هایی که ایرانی‌ها یا فارسی‌زبان‌ها ساخته‌اند به ۵۰۰ عدد می‌رسد.



## معرفی یک پادکست فارسی

یکی از بهترین پادکست‌های فارسی چنل‌بی است. پادکست چنل‌بی نسبت به سایر پادکست‌های محبوب ایرانی قدیمی‌تر است. این سابقه‌ی بیشتر، این مجموعه را به یکی از حرفه‌ای‌ترین و معروف‌ترین پادکست‌های ایرانی تبدیل کرده است. علی بندری با تیمی **مُجَرَّب**<sup>۱</sup> مجموعه‌ی چنل‌بی را هدایت و اجرا می‌کند. در چنل‌بی داستان‌هایی واقعی را می‌شنویم که در رسانه‌های معتبر انگلیسی‌زبان چاپ شده‌اند. چنل‌بی علاوه بر قراردادن بخش‌های مختلف یک داستان در پادگیرهای مختلف، سایت ChannelbPodcast.com را نیز راه‌اندازی کرده است تا این بخش‌ها و مطالب آموزشی مفید در زمینه‌ی تولید پادکست را در دسترس مخاطبان قرار دهد.

توجه داشته باشید این پادکست، آموزشی نیست، اما برای زبان آموزان سطح فوق میانی و پیشرفته مناسب است و به پیشرفت مهارت‌های زبانی کمک می‌کند.

### یک نمونه پادکست در چنل‌بی:

- موضوع: روایت داستان‌های واقعی
- شروع فعالیت: تابستان ۹۴
- گوینده: علی بندری
- نحوه دسترسی به پادکست: در همه اپلیکیشن‌های پادگیر

**پادکست چنل‌بی**  
روایت شنیدنی ماجراهای واقعی



۱. باتجربه

۱۰. هر کسی که می‌توانست کار مهمی در این زمینه انجام بدهد.

۶. اقدام کردند

۷. Ben Hammersley

۸. The Guardian

۹. iTunes

۱. Podcast

۲. برنامه‌ای برای دریافت و پخش پادکست که روی گوشی موبایل یا کامپیوتر نصب می‌شود.

۳. محیط

۴. کسی که در محیط‌های مجازی، از خدمات الکترونیک استفاده می‌کند.

۵. apple



## برنامه‌های مسیریاب در ایران

گردآوری: آناهیتا بیرجندی



مسیریاب نشان

### الف. مسیریاب نشان

برنامه‌ی رایگان و کاربردی نشان به شما کمک می‌کند که بتوانید بهترین راه رسیدن به مقصد را با توجه به مسافت و ترافیک پیدا کنید و تا رسیدن به مقصد از راهنمایی سخن گوی فارسی استفاده کنید.

#### قابلیت‌های نشان:

۱. نمایش پلیس و دوربین
۲. هشدار سرعت گیر
۳. مسیریابی بر اساس ترافیک لحظه‌ای



این برنامه، بهترین مسیریاب ایران از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۰ بوده است.

سازندگان نشان، این برنامه‌ی کاربردی را این گونه معرفی می‌کنند:

- ❖ با هم بهترین مسیر رو پیدا می‌کنیم.
- نشان یک مسیریاب فارسی است که در پیدا کردن اطلاعات تمام مکان‌های روی نقشه و یافتن بهترین مسیر به هشت میلیون کاربر<sup>۱</sup> خود کمک می‌کند.
- ❖ دیگه تو ترافیک نمون و جریمه نشو!
- نشان به کمک گزارش نشان‌داران<sup>۲</sup> از اتفاقات هر مسیر، بهترین مسیر را با در نظر گرفتن ترافیک آنلاین به شما پیشنهاد می‌دهد و در بین مسیر با اعلام پلیس، دوربین و سرعت گیرهای مسیر در کنار شماست.
- ❖ هر جا و هر جور می‌خوای بری از نشان پرس!
- در نشان می‌توانید با خودرو، وسایل حمل و نقل همگانی، موتور، دوچرخه و پیاده مسیریابی کنید و مقصد خود را پیدا کنید.
- شما می‌توانید نشان را از گوگل پلی استور<sup>۳</sup>، بازار<sup>۴</sup> و ... دریافت کنید. اطلاعات بیشتر را در <https://neshan.org> ببینید.

### ب. مسیریاب بلد

اگر از کاربرانی هستید که به برنامه‌ای با جزئیات بیشتر نیاز دارید، می‌توانید مسیریاب بلد را امتحان کنید. بلد یک نقشه و مسیریاب فارسی و هوشمند است که با نقشه‌ای کامل از سراسر<sup>۱</sup> ایران در مسیریابی سریع و به صرفه<sup>۲</sup> به شما کمک می‌کند.

از ویژگی‌های این مسیریاب، می‌توان به انتخاب مناسب‌ترین مسیر با توجه به اطلاعات ترافیکی آنلاین و نزدیک‌ترین مسیر تا مقصد و نیز نقشه‌ی فارسی و دقیق اشاره کرد.

بلد را می‌توانید از سایت [www.balad.ir](http://www.balad.ir) و همچنین از برنامه‌ی بازار دریافت و روی تلفن همراه خود نصب کنید.



۱. هر جا، همه جا
۲. با صرفه‌جویی در زمان و هزینه

۱. کسی که از یک برنامه‌ی کامپیوتری یا یک سایت استفاده می‌کند، استفاده‌کننده  
۲. کسانی که از برنامه‌ی نشان استفاده می‌کنند.  
۳. Google play store  
۴. Bazar

پاسخ به سوال‌ها و  
سرگرمی‌های شماره‌ی  
قبل مجله‌ی پارسی‌نامه

ص ۴

۱. گلستان - مازندران - گیلان
۲. هرمزگان - بوشهر
۳. خراسان جنوبی - سیستان و بلوچستان
۴. خوزستان - ایلام - کرمانشاه - کردستان
۵. خزر
۶. جنوب غربی ایران
۷. عمان
۸. جنوب غربی ایران
۹. مرکز ایران
۱۰. جنوب شرقی ایران

ص ۱۳

از راست به چپ: گریان - خندان - گرسنه - خودخواه - خندان - خوشحال - خجالتی - فضول -  
افسرده - تشنه - لجباز - شکمو

ص ۳۰

۱. ث
۲. ت
۳. ب
۴. الف
۵. پ

ص ۳۱ - قسمت اول

۲. ج
۳. خ
۴. چ
۵. پ
۶. ح
۷. ب
۸. ث
۹. الف

ص ۳۱ - قسمت دوم

۱. خ
۲. چ
۳. ح
۴. پ
۵. ب
۶. ج
۷. الف
۸. ث
۹. ت

